

نقص علم در مسؤولیت مدنی ناشی از تولید کالا

محسن کاظمی^۱

غفور خویینی

محمد روشن

شجاع روزبهانی

چکیده

مصرف کالا در برخی مواقع با ورود خسارت به مصرف کننده همراه است. این خسارت ممکن است ناشی از نقص علم تولیدکننده به عوامل ورود خسارت و خسارت بار بودن آن باشد. اگر این نقص به صورت فراگیر بوده و در اثر قصور یا تقصیر تولیدکننده نباشد، به عنوان دلیل رافع مسؤولیت مدنی در برخی از کشورها پذیرفته شده است. حقوق موضوعه ایران متعرض این بحث نشده است؛ اما با بررسی اصول و قواعد حقوقی و شرایط لازم در ایجاد مسؤولیت مدنی می توان نقص علم بشری را رافع مسؤولیت مدنی دانست.

این تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی تاریخی بوده و شیوه جمع آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

خسارت، جبران، نقص علم، تولیدکننده.

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی و کارآموز وکالت کانون وکلای دادگستری

Email:kazemim52@yahoo.com

(نویسنده مسؤول)

نقص علم در مسؤلیت مدنی ناشی از تولید کالا

اصل جبران خسارت در فقه و حقوق ما مسلم است. مجموع قواعدی که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می‌سازد، مسؤلیت مدنی نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۴). ایجاد مسؤلیت مدنی بر اساس مبانی شناخته شده و مبنای مشخص نیازمند اثبات و احراز سه رکن وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت است.

گاهی خسارت وارده ناشی از مصرف کالاهای تولیدی است و علت آن عیب یا نقص موجود در کالا است. برخی مواقع این حادثه‌ها فاجعه‌هایی بزرگ و جمعی‌اند. در این نوع از خسارات نه تنها زیان دیده و جامعه حقوقی، افکار عمومی نیز به شدت درگیر موضوع می‌شوند. برای مثال اروپای دهه ۱۹۷۰ شاهد تراژدی «تلیدوماید»^۱ بود؛ دارویی که زنان در دوران حاملگی مصرف می‌کردند و کودکانی ناقص‌الخلقه می‌زادند، مرگ ۶۰۰ تن در اسپانیا بر اثر مصرف روغن‌های صنعتی در غذا (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۵) و یا ابتلای بیماران هموفیلی^۲ و تالاسمی^۳ به بیماری‌های «اچ آی وی»^۴ و انواع «هپاتیت»^۵، از چند دهه قبل در ایران و بسیاری کشورهای دیگر از جمله فرانسه.

ممکن است خساراتی که از نقص یا عیب مصرف کالاها ناشی می‌شود اگرچه به اشخاص زیادی خسارت وارد آورد اما نسبت به هر شخص به اندازه ای نباشد که شخص زیان دیده به لحاظ صرفه زمانی و اقتصادی بتواند طرح دعوی جبران خسارت نماید. در حقوق کامن لا طرح دعوی در چنین مواردی^۶ پذیرفته شده این امتیاز به زیان دیدگان امکان می‌دهد در یک دعوی همگی علیه عامل زیان دادرخواست ضرر و زیان مطرح کنند که موجب صرفه اقتصادی و زمانی برای زیان دیدگان و دستگاه قضایی خواهد بود.

در زمینه تولید کالا ممکن است در محصولاتی که به متقاضیان عرضه می‌شود خطراتی وجود داشته باشد که دانش فعلی بشری توان شناخت آن را نداشته باشد اما با پیشرفت علم موجب کشف عیب و خطرات کالای مزبور شود. اگر فقدان دانش لازم در اثر تقصیر یا قصور شخص سبب خسارت باشد در مسؤول بودن او بحثی نیست، در این باره ادعای اجماع شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ص ۱۵)، اما اگر خسارت وارده ناشی از نقص علم همگانی در زمان و شرایط فعلی باشد شرایط متفاوت خواهد بود.

اکنون باید دید، خسارات ناشی از مصرف کالایی که در زمان ساخت و عرضه، شناخته شده نبوده و با پیشرفت علم کشف و شناسایی شده است، آیا استناد به نقص علم بشری و جاهت داشته و دلیلی برای رفع مسؤولیت مدنی است؟

بخش نخست: مقدمات

بند اول: مبانی مسؤولیت مدنی در تولید کالا

منظور از مبانی مسؤولیت مدنی، دلایلی حقوقی است که اجرای مسؤولیت مدنی را توجیه می‌کند (ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۵۶). در توجیه مسؤولیت مدنی تولید^۷ از چند طریق استدلال کرده‌اند:

۱- **تسبیب:** می‌توان فروشنده کالای زیان بار را از باب تسبیب نیز مسؤول دانست بنابراین پس از اثبات رابطه سببیت فروشنده مسؤول جبران خسارت خواهد بود اما در حقوق ما مسؤولیت ناشی از تسبیب براساس مبنای تقصیر توجیه می‌شود لذا زیان دیده باید تقصیر فروشنده را ثابت و رابطه سببیت را بر این مبنا اثبات نماید.

برخی (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ص ۳۲) با توجه به دشواری اثبات تقصیر برای مصرف کننده نیازمند بودن مسؤولیت مدنی در این حوزه به اثبات تقصیر را صحیح ندانسته و به نقد آن پرداخته‌اند.

۲- فرض علم فروشنده به عیب و سوء نیت تولیدکننده: برخی چنین فرض کرده‌اند که فروشندگان حرفه‌ای از عیوب و خطرهای کالایشان آگاهند پس آنان در فروش کالای معیوب خود «سوء نیت» دارند. برخی دیگر با تلطیف این نظریه از «قرینه علم به عیب» نام برده‌اند یعنی فرض بر آن است که فروشندگان از عیوب کالایشان آگاهند.

۳- تضمین ایمنی مبیع: به موجب این نظریه فروشنده کالا تعهدی ضمنی مبنی بر ایمنی مبیع دارد. تعهدی از نوع تعهد به نتیجه و از این جهت با مسؤولیت محض و نظریه خطر نزدیک است (Glannon, 2005, p287).

در انتقاد از این دو نظر گفته‌اند که نظریه قرینه سوءنیت با حدتی ناعادلانه همراه است و با اصل حُسن نیت متعارض است. همچنین اماره های قضایی با اثبات خلاف، بی اثر می‌شوند پس فروشنده می‌تواند در هر زمان با اقامه دلیل بر جهل خود به عیب از زیر بار مسؤولیت بگریزد؛ البته برای بستن این راه گریز دادگاه‌ها در عمل این اماره را اماره ای قانونی و رد ناشدنی دانسته‌اند (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

بند دوم: مبنای مسؤولیت مدنی در تولید کالا

مسؤولیت مدنی در راستای دستیابی به عدالت، قرن‌ها در تلاش و تکاپوی یافتن بهترین مبنا برای مسؤولیت مدنی بوده است. از زمانی که در سده هفدهم میلادی، اولین دیدگاه‌ها در خصوص اصول مسؤولیت مدنی در حقوق فرانسه از سوی

«دوما»^{۱۰} به صورت کلی بنیان نهاده شده تا امروز مبنای مسئولیت مدنی تحولات بسیاری به خود دیده است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲). بوریس استارک معتقد است «مبالغه آمیز نیست اگر بگوییم مبنای مسئولیت مدنی مهم‌ترین مسئله در حقوق خصوصی است» (بهرامی احمدی، ۱۳۸۴، ص ۳۷).

نظریات مختلفی در مبنای مسئولیت مدنی ارائه شده که امکان حمل مسئولیت تولید بر هر یک از آنان طرفدارانی دارد. در ادامه به اختصار اهم این نظریات مورد بحث، بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد.

الف- مسئولیت بر پایه نظریه تقصیر

از نظر لغوی تقصیر کوتاهی کردن و سستی کردن در انجام کاری را گویند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۴۲). در تعریف تقصیر گفته شده است: «تقصیر تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) و یا انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود، یا ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (صفایی، ۱۳۷۰، ص ۵۵۳) در مسئولیت مبتنی بر تقصیر هر گاه ایجاد کننده ضرر عدم تقصیر خود را ثابت نماید از مسئولیت مبری می‌گردد. در بسیاری کشورها مبنای کلی بر اساس تقصیر است. در فرانسه، قانون‌گذاری خاصی در مورد مسئولیت ناشی از کالاها وجود ندارد و این موضوع تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. بنابراین متضرر موظف است تقصیر تولیدکننده‌ای را که با وی رابطه قراردادی ندارد به اثبات رساند (بزرگمهر، ۱۳۸۵، ص ۴۵). این نظریه را می‌توان از تجلیات ماده ۱۳۸۲ ق.م فرانسه دانست^{۱۱}.

بر اساس ماده یک قانون مسئولیت مدنی و نظر اکثر اساتید، مبنای کلی پذیرفته شده در حقوق ما نیز نظریه تقصیر است. بنا بر این مبنای، زیان دیده از مصرف کالا

باید تقصیر تولید کننده را ثابت نماید مگر اینکه برای تولید کننده فرض تقصیر شده باشد.

ب- مسؤولیت بر پایه نظریه خطر

بر مبنای این نظریه، هر کس به فعالیتی می‌پردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و باید خسارت‌هایی را که به دیگران وارد می‌شود جبران کند، زیرا اوست که از منافع آن محیط بهره‌مند می‌شود. این نظریه در فقه امامیه نیز دارای سابقه می‌باشد و تحت عنوان قاعده «مَنْ لَه الْغُنْم فَاعْلِيه الْغُرْم» مطرح شده است. بر این اساس مسؤولیت شخص برای جبران خسارتی که به دیگران وارد می‌کند به خاطر این نیست که مقصر است بلکه به خاطر سودی است که از ایجاد و انجام فعالیت به او می‌رسد. این مبنای صورت استثنایی مثل مسؤولیت وسایل نقلیه در حقوق موضوعه ما پذیرفته شده است^{۱۲} اما در مورد تولید کالا چنین نصی وجود ندارد.

ج- مسؤولیت بر پایه نظریه قابلیت انتساب

پیروان نظریه قابلیت انتساب معتقدند هرکس مسؤول جبران خساراتی است که قابل انتساب به او باشد و تفاوتی نمی‌کند این خسارت در نتیجه نقض تعهدات قراردادی باشد یا نقض تعهدات قانونی؛ در نتیجه تقصیر باشد یا یک عمل مشروع (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۶). این نظریه برای ایجاد مسؤولیت مدنی بیشتر احراز رابطه سببیت را در نظر دارد.

د- مسئولیت بر پایه نظریه مسئولیت محض

ضرورت‌های اقتصادی سرانجام زمینه‌ساز اقدام خطیر اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۵ شد. به موجب آن قواعد نمونه‌ای ارائه گردید که از حیث مبنا مبتنی بر مسئولیت محض بود و کشورهای عضو اتحادیه ملزم به رعایت آن مبنا در قوانین جدید خود شدند. همین مبنا در لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان قوانین سایر کشورهای پیشرفته اتخاذ شده است (بزرگمهر، ۱۳۸۵، ص ۴۴). این مسئولیت به دلیل عدم وابستگی به تقصیر و رابطه قراردادی، «مسئولیت محض» نامیده می‌شود و تضمین سلامت و ایمنی ضمنی کالا به عنوان متمم آن به کار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۹۰، پیشگفتار).

دادگاه‌های انگلیس در برابر مسئولیت محض مقاومت کرده‌اند و آن را به طور وسیع نپذیرفته‌اند. کمیسیون پیرسون هفت در انگلیس اگرچه از پذیرش مسئولیت محض در حوادثی که طبق سنت کامن‌لا، وجود تقصیر در آنها ضرورت داشته (مانند حوادث رانندگی و حوادث صنعتی) خودداری کرده است اما آن را در اعمالی که طبیعتی خطرناک دارند و انجام دادن آنها مستلزم دقت و مهارت و بی‌مبالاتی در آنها منجر به مرگ یا صدمات جانی می‌شود، مثل عمل تولیدکننده‌ها، پذیرفته است. قانون حمایت از مصرف‌کننده (مصوب ۱۹۸۷) نیز مسئولیت محض را بر عهده تولیدکنندگان نهاده است.

در آلمان نیز قانون مربوط به مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب، که از اول ژانویه ۱۹۹۰ به اجرا در آمده مسئولیت محض را پذیرفته است (مرید نژاد، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

البته این قاعده در مورد کالاهای مفید و با ارزش برای جامعه اجرا نمی‌شود زیرا سبب گرانی و ایجاد فشار و تنگنا برای عموم است. چنان که در مورد

واکسن دیفتری که در موارد نادر سبب آسیب‌های مغزی می‌شود ولی جان جمع کثیری را نجات می‌دهد، دادگاه از اجرای قاعده خودداری کرده است.^{۱۳} هم چنین این تحلیل در بسیاری موارد که فروشنده کالا تولید کننده آن نیز هست، می‌تواند به عدالت کمک کند و جبران زیان خریدار را آسان کند. ولی پذیرفتن آن در جایی که فروشنده نقش واسطه ساده بین تولید کننده و مصرف کننده را دارد امکان ندارد. در این گونه امور خریدار ناچار باید تقصیر فروشنده را در تحویل کالای ناسالم اثبات کند و در این راه می‌تواند از همه دلایل و امارت یاری بخواهد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶).

بند سوم: مبنای مسؤولیت مدنی ناشی از تولید کالا در حقوق ایران

در مبنای مسؤولیت مدنی در حقوق ما اختلاف نظر وجود دارد و بالتبع این اختلاف نظر در زمینه تولید کالا نیز وجود خواهد داشت. برخی براساس ماده یک قانون مسؤولیت مدنی به طور کلی مبنای مسؤولیت مدنی را تقصیر می‌دانند و برخی دیگر معتقد به مسؤولیت مبتنی بر خطر یا قابلیت انتساب هستند.

برخی نیز بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ که مقرر داشته است: «کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسؤول صحت، سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده

موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است» بر این اساس مسؤولیت ناشی از عیب تولید در ایران را نیز باید مسؤولیت مبتنی بر مسؤولیت محض دانست (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).

بخش دوم: بررسی خسارت ناشی از نقص علم در کشورهای مختلف

در اتحادیه اروپا در فرضی که به علت عدم وجود علم (خطر توسعه) عیبی در کالا و مواد ساخته شده باشد مسؤولیت مدنی پذیرفته نشده است و قانون نمونه جامعه اروپایی پذیرش و رد آن را برای اعضای امضاکننده اختیاری قرار داده است.

ماده ۵ قانون مسؤولیت ناشی از عیب کالای سوئیس مواردی برای معافیت تولیدکننده از مسؤولیت برشمرده است؛ مطابق بند ۴ این ماده بیان می‌دارد: «... وضعیت علمی و فنی زمان عرضه محصول به‌گونه‌ای بوده است که امکان کشف عیب، وجود نداشته است».

قانون حمایت از مصرف‌کننده ۱۹۸۷ انگلیس در ماده ۴ تحت عنوان «دفاعیات» مواردی را که تولیدکننده یا واردکننده معاف از مسؤولیت است بیان کرده: «... ب- وضعیت دانش علمی و فنی در زمانی که محصول ارائه شده در حدی نبوده است که از تولید محصولاتی با کیفیت و توصیف کالای مورد انتظار رفع عیب آن وجود داشته باشد، اگر چه عیب در کالا وجود داشته و کالا نیز تحت کنترل وی بوده است».

قانون مسؤولیت تولید بلژیک مصوب ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ در بند ه- از ماده ۸ خود دفاع نقص علم بشری را پذیرفته است. همچنین در مقررات ایتالیا به موجب بند ه-

ماده شش فرمان ریاست جمهوری مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۸ دفاع نقص علم بدون ذکر استثنایی پذیرفته شده است.

در حقوق کانادا تولید کننده کالا بر مبنای شرط ضمنی، مسؤول انطباق کالا با هدفی است که بدان منظور تهیه شده است، بنابراین اگر عیبی در آن باشد ضامن خسارت ناشی از آن است. ولی به صورت استثنا در مورد فراورده‌های خونی چون کالای تجاری محسوب نمی‌شود، بر مبنای این شرط ضمنی نمی‌توان مرکز انتقال خون را مسؤول عیوب آن دانست مگر این که تقصیر آن ثابت شود؛ و استناد به عدم علم و نقص علم پذیرفته می‌شود مگر به صورت استثناء. این دیدگاه در حقوق استرالیا نیز طرفدارانی دارد (JONES, 2003, p 65,64).

در حقوق فرانسه اصل بر این است که نقص علم می‌تواند موجب عدم مسؤولیت گردد، ماده ۱۱-۱۳۸۶ قانون مدنی^{۱۴} مواردی که دعوی مسؤولیت یکی از شرایط لازم را ندارد بدین شرح برشمرده است: «۴- وضع معلومات علمی و فنی در زمان عرضه و تولید کالا، در حدی نبوده است که موجب کشف عیب شود» لکن ماده بعدی استثنایی بر این اصل قائل شده است: «در صورتی که خسارت ناشی از عنصر انسانی یا فراورده‌های مربوطه باشد، تولید کننده نمی‌تواند به معاذیر مقرر در بند چهار ماده ۱۱-۱۳۸۶ استناد کند». استثنائات این اصل مربوط به حفظ سلامت جسمانی شهروندان است. خطرهای ناشی از پیوند اعضای بدن و خون و سرم و مانند این‌ها، به دلیل اهمیت اساسی در حیات انسان، مشمول قاعده معافیت از خطر توسعه نمی‌شود تا بر احتیاط تولید کنندگان محصولی که به بدن انسان مربوط است بیفزاید (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵).

دیوان کشور فرانسه در رأیی چنین آورده است: عیب داخلی (یا آلودگی) خون که در زمان انتقال، غیر قابل کشف بوده است، عامل خارجی محسوب

نمی‌شود و رافع مسؤولیت مرکز انتقال خون نیست، این مطلب به این معنی است که در فرانسه در مورد انتقال خون دفاع نقص علم بشری در تشخیص این‌گونه بیماری‌ها، موجب از بین رفتن مسؤولیت نمی‌شود^{۱۵}؛ دکترین و رویه قضایی نیز بر این موضوع اتفاق نظر دارند (LAMBERYE, 1996, p 691). علاوه بر این راه حل که مطابق قواعد عمومی مسؤولیت مدنی و توسط رویه قضایی ایجاد شده است، بر طبق قانون ۱۹ مه ۱۹۹۸ مراکز انتقال خون به عنوان تولید کننده، مسؤول زیان ناشی از عیب (آلودگی) خون هستند و «خطر توسعه» در مورد فرآورده‌های خونی وجود ندارد (HUET, 1986, p.777). بر این اساس در حقوق فرانسه مرکز انتقال خون مسؤول است، مگر این که وجود عامل خارجی را ثابت نماید. یعنی ثابت کند که آلوده بودن آن، ناشی از یک عامل خارجی بوده که نمی‌توان منتسب به او دانست. امری که در هر نوع تعهد به نتیجه عامل معاف کننده متعهد نسبت به مسؤولیت ناشی از نقض تعهد است (CARBONNIER, 2000, p 299).

بخش سوم: خسارت ناشی از نقص علم در حقوق ایران

دفاع عدم مسؤولیت مدنی بر پایه نقص علم نه در قانون حمایت از مصرف کنندگان و نه در سایر قوانین ما وجود ندارد. در رویه قضایی نیز پیشینه خاصی برای آن مشاهده نمی‌شود. بنابراین بر اساس قواعد و اصول پذیرفته در حقوق کشورمان به بررسی آن خواهیم پرداخت.

بند اول: بررسی خسارت ناشی از نقص علم براساس مبانی مسؤولیت مدنی

به نظر می‌رسد چنانچه دلیل حقوقی برای توجیه ایجاد مسؤولیت مدنی در تولید کالا را «تضمین ایمنی مبیع» بدانیم نمی‌توان تولید کننده را ضامن سطحی از

ایمنی، فراتر از دانش فعلی دانست و چنانچه دلیل آن را «فرض علم» تولید کننده بدانیم، عنوان فرض علم نقیضی ظریف بر مسؤولیت ناشی از نقص علم است. اما چنانچه دلیل مسؤولیت را تسبیب بدانیم این مسؤولیت نیازمند احراز رابطه سببیت است و به طور سنتی مسؤولیت ناشی از تسبیب را منوط به اثبات تقصیر دانسته اند. در ادامه نقص علم بشری بر اساس احراز رابطه سببیت را بررسی خواهیم نمود.

بند دوم: بررسی خسارت ناشی از نقص علم بر اساس مبنای مسؤولیت مدنی

در مورد تقصیر^{۱۶} و مقبولیت آن به عنوان مبنای کلی پیش تر سخن رفت. تقصیر تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۶۷). بر این اساس چگونه می توان اقدام انسانی متعارف را که قطعاً دانشی فراتر از زمان و مکانش نخواهد داشت بر اساس مجهول حال و علم آینده تقصیر قلمداد کرده و محکوم نمود.

چنانچه مبنای پذیرفته شده ما نسبت به تولید کنندگان قابلیت انتساب باشد، همچنان نمی توان عرفاً قابلیت انتساب را بین اقداماتی که دانش امروزی آن را تأیید می کند با زیانهای مجهولی که دانش آینده آن را کشف می کند برقرار دانست. رفتار شخص متعارف و محتاط به عنوان ملاک توجه یا عدم توجه مسوولیت در این جا نیز به مدد نظریه فقد ضمان در مانحن فیه را بدنبال دارد.

اگر مبنای مسؤولیت مدنی مناسب در تولید کالا را خطر یا مسؤولیت محض بدانیم، باز هم بدون رابطه سببیت و یا با اثبات فقدان این رابطه مسؤولیت مدنی منتفی خواهد شد.

بند سوم: بررسی خسارت ناشی از نقص علم براساس ارکان لازم در مسؤولیت مدنی

دعوی مسؤولیت مدنی بدون احراز ارکان آن ممکن نیست. وجود ضرر به عنوان رکن اول مسؤولیت مدنی نیازمند چندین شرط است. یکی از شرایط آن که در فقه و حقوق ما نیز پذیرفته شده قابلیت پیش‌بینی است^{۱۷}. این شرط مورد توجه فقها نیز بوده است. چنانکه راجع به ایراد خسارت به همسایه بیان شده: «تصرف غیر ضروری یا زاید بر نیاز که مشتمل بر ورود ضرر به همسایه است در صورتی ضمان آور است که ضرر به همسایه قابل پیش‌بینی باشد» (آل کاشف الغطا، ۱۳۶۱، ش ۱۴۹ تا ۱۴۴ و مکی عاملی، ۱۳۸۴، مسأله ۲۴). در آثار برخی از اساتید معاصر نیز در تعریف و تعیین شخص مسؤول چنین آورده‌اند: «کسی که سبب اضرار دیگری می‌شود در صورتی مسؤول می‌گردد که در فعل خود تقصیر نموده و نتیجه آن عمل عموماً پیش‌بینی می‌شده است» (امامی، ۱۳۵۷، ص ۲۴۰). بر طبق قاعده ای در حقوق پزشکی سوئیس زیان‌های پیش‌بینی نشده را باید خود بیمار تحمل کند نه طبیب^{۱۸} (جعفری تبار، ۱۳۷۷، ص ۷۶).

بدیهی است آنچه از نظر علمی مجهول زمان حاضر است قابلیت پیش‌بینی ندارد و در ورود خسارتی که قابل پیش‌بینی نیست رکن اول مسؤولیت مدنی وجود نخواهد داشت.

لزوم وجود رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده، امری بدیهی است زیرا عرف شخصی را مسؤول جبران ضرر می‌داند که ضرر وارده، ناشی از عمل او باشد و در صورت عدم احراز چنین رابطه‌ای، عامل عرفاً مسؤول جبران چنین ضرری نیست (باریکلو، ۱۳۸۵، ۱۲۲) و همان طور که برخی بیان کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۶۸) آنجا که جبران خسارتی بدون احراز رابطه سببیت واجب

می‌شود از حیثه مسئولیت مدنی خروج تخصصی دارد. از طرفی احراز رابطه سببیت نیز جنبه عرفی دارد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ص ۴۳۵).

حال چنانچه در دعوی مسئولیت مدنی ثابت شود که زیان وارده ناشی از نقص علم بشری است ذوق سلیم دیگر رابطه سببیت را بین زیان وارده و اقدام خواننده محرز نمی‌داند. چنین بحثی در مورد ضمان پزشک نیز پذیرفته شده است. اثبات رعایت احتیاط‌های لازم و اجرای قواعد فنی پزشکی رابطه سببیت بین فعل طبیب و ورود ضرر را قطع، از قلمرو ضمان خارج ساخته و به طبیعت بیمار یا نقص علم منسوب می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳).

بند چهارم: بررسی خسارت ناشی از نقص علم بر اساس اصول و قواعد پذیرفته شده قوه قاهره^{۱۹} دارای دو معنای عام و خاص است؛ در معنای عام، قوه قاهره به معنای حادثه خارجی غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش بینی است، اما در معنای خاص به حوادث غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش بینی اطلاق می‌شود که منتسب به شخص معینی نبوده، از نیروهای طبیعی به وجود آمده باشد (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۵). به نظر می‌رسد قاعده نقص علم بشر با معنای عام قوه قاهره منطبق است و بر مبنای این موضوع می‌توان به عدم مسئولیت در مواردی که ایراد خسارت ناشی از نقص علم بشری است قائل بود.

این موضوع را می‌توان با تکیه بر عقل سلیم نیز درک نمود؛ چرا که تکلیف تا جایی معقول است که اجرای آن خارج از توان و طاقت مکلف^{۲۰} نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴). قاعده «ما لا یمكن التحرز عنه لا ضمان فیه»^{۲۱} نیز این دفاع را تایید می‌کند.

بر اساس قاعده تکلیف بمالایطاق باید گفت: پیش بینی زیانبار بودن مثلاً تجویز، ساخت یا عرضه یک دارو منوط به احاطه انسانی بر عوامل شناخته شده

آسیب رسان است و عوامل نامرئی و ناشناخته اگر مبنای مسوولیت قرار گیرد در واقع رای به ضمان بر اساس امور عدمی (که در زمره ترک فعل نیز نبوده) است و هیچ صاحب اندیشه سلیمی رای به ضمان بر اساس احتمالات ضعیف، غیر قابل تصور و ناشناخته نمی‌دهد. به علاوه باید به این نکته توجه داشت که اصل ورود به مباحث درمان به دلایل انسانی و احسان بوده و اگر ضمان به این شیوه و مبنا توسعه داده شود ضمن آنکه منطقی نیست باعث سد باب تعاون بر بر و تقوی خواهد شد.

بر اساس اصل برائت که در قانون اساسی کشور^{۲۲} به صورت صریح مورد قبول واقع شده و نیز قبح عقاب بلا بیان، مسؤول دانستن شخص برای خسارتی که علم پرهیز از آن وجود نداشته منطقی نیست. همین مبنا در ماده چهار قانون مدنی به کار گرفته شده و قانونگذار اثر قانون را نسبت به آتیه دانسته است.

هدف مسوولیت مدنی و نظریه های مترقی و مداوم آن را می‌توان اجرای نظم اجتماعی و رسیدن به عدالت نسبی دانست. بر این اساس چگونه می‌توان شخصی را که در اقداماتش تمام جوانب علمی و احتیاطی را به کار گرفته است. بعدها به خاطر آنچه نمی‌توانست بداند مسؤول دانست و این مسوولیت را موافق با عدالت دانست. از طرفی نظم اجتماعی نیازمند پویایی و فعالیت است با مسؤول دانستن افراد به خاطر آنچه که مجهول امروز است ترسی موهوم از فعالیت و پیشرفت، حاکم خواهد شد که قطعاً مطلوب جامعه نخواهد بود.

به نظر می‌رسد دفاع نقص علم نیز مفهومی نسبی است. بنابراین در بررسی این دفاع از جانب هر شخص، باید شرایط زمانی و مکانی را در نظر داشت و نمی‌توان به اختلاف علمی چشمگیر تولید کننده ها در سرزمین های مختلف بی اعتنا بود. البته تعیین و قابلیت پذیرش این دفاع در چنین موقعیتی مرز پذیر و قابل تنظیم

نیست بلکه نیاز به ریزبینی و ظرافت بالایی در دو کفه ترازوی عدالت به سمت مصرف کننده یا تولید کننده خواهد داشت که دادرس باید از شرایط خاص مورد مدد بگیرد.

بخش پنجم: منع سوء استفاده از نقص علم

اصولاً مسئولیت مدنی بیشتر در تلاش است تا به یاری طرف آسیب پذیر بشتابد، در رابطه بین تولید کننده و مصرف کننده به طور معمول آنکه نیاز به امداد مسئولیت مدنی دارد مصرف کننده است. پذیرفتن دفاع نقص علم بشری به عنوان رافع مسئولیت مدنی نباید منجر به سوء استفاده تولید کنندگان شود. قانون مدنی کشور فرانسه در ماده ۱۲-۱۳۸۶ این موضوع را پیش بینی کرده و چنین تصریح نموده است: «هر گاه تولید کننده ظرف ۱۰ سال پس از عرضه فراورده، با عیبی مواجه شود و اقدام مقتضی برای جلوگیری از آثار زیانبار به عمل نیاورد، نمی تواند به معاذیر مقرر در بند ۴ ماده ۱۱-۱۳۸۶ استناد کند.» اما این تمهید کافی به نظر نمی رسد. زیرا پذیرش زمان ده ساله برای رفع کالای معیبی که می تواند خسارات غیر قابل جبرانی در این مدت برای مصرف کنندگان داشته باشد بسیار خطرناک است. به علاوه با توجه به سرعت رشد علم در دنیای امروزی این زمان چندان معقول نخواهد بود. از طرفی عبارت «اقدام مقتضی برای جلوگیری از آثار زیانبار به عمل نیاورد» هادی تقصیر و اثبات آن به ذهن است که برخی مواقع کارآیی چندان در مسئولیت مدنی ناشی از تولید کالا ندارد. هم چنین این ماده راجع به سایر راه های امکان سوء استفاده مسکوت است که نیاز به پیش بینی آنها بدیهی است (کاظمی حاجی آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹).

نقص علم بشری زمانی می‌تواند رافع مسئولیت مدنی باشد که تقصیری در اقدامات خوانده بر اساس دانش فعلی رخ نداده باشد. لذا در فرضی که خسارت وارده ناشی از تقصیر و نقص علم با هم بوده است، عامل خسارت نمی‌تواند به نقص علم استناد کند. هم‌چنین آنجا که احتمال ایراد خسارت به لحاظ عقلی ممکن و محتمل است نمی‌توان به استناد ناشناخته بودن نقص فعلی دانش بشری از مسئولیت مدنی مبری شد.

نتیجه

اگر نقص علمی که منجر به ایراد خسارت به مصرف کننده شده است ناشی از قصور یا تقصیر تولیدکننده نبوده؛ همگانی باشد در اتحادیه اروپا به عنوان دلیل و دفاعی که توجیه کننده خسارت وارده باشد شناخته شده است. در قانون مسؤولیت ناشی از عیب کالای سوئیس، قانون حمایت از مصرف کننده ۱۹۸۷ انگلیس، قانون مسؤولیت تولید بلژیک و در حقوق کانادا، استرالیا نیز به طور مطلق نقص علم را به عنوان دفاعی رافع مسؤولیت مدنی پذیرفته‌اند. در حقوق فرانسه نیز این موضوع بررسی شده و به طور کلی پذیرفته شده است اما در خساراتی که به سلامت افراد جامعه وارد شود نقص علم را قابل قبول ندانسته‌اند.

در حقوق موضوعه ایران این موضوع مورد توجه واقع نشده است اما بر اساس اصول و قواعد پذیرفته شده می‌توان نقص علم را در حقوق ایران پذیرفت؛ برای مثال چنانچه مبنای انتخابی ما در مسؤولیت مدنی تولید کالا هر کدام از نظریات تقصیر، خطر، قابلیت انتساب و یا مسؤولیت محض باشد نمی‌توان خسارت ناشی از نقص علم را قابل جبران دانست. همچنین بر اساس ارکان و شرایط لازم در ایجاد مسؤولیت مدنی از جمله شرایط لازم جهت احراز رابطه سببیت و یا قابلیت پیش بینی ضرر در تشکیل رکن ضرر، می‌توان قائل به رافع مسؤولیت مدنی بودن نقص علم باشیم. به علاوه ارتباط یافتن خسارت ناشی از نقص علم با معنای عام قوه قاهره، قواعد «ما لا یمکن التحرز عنه لا ضمان فیه» و قبح تکلیف بمالایطاق، اصل برائت و هدف مسؤولیت مدنی نیز این استدلال را تقویت خواهد کرد.

البته باید مراقب بود تا مسؤولیت مدنی از هدف اصلی خود دور نشده و پذیرفتن دفاع نقص علم منجر به سوءاستفاده تولیدکنندگان نشود. قانون مدنی فرانسه این مهم را مورد توجه قرار داده اما در انسداد سوءاستفاده تولیدکنندگان

توفیق چندانی نداشته است. پیشنهاد می‌شود در در حقوق موضوعه؛ با استفاده از پیشینه عظیم فقه و تجربیات قابل قبول سایر کشورها تا حد امکان راه سوءاستفاده برای تولیدکنندگان مسدود شود.

پی‌نوشت‌ها

1. thalidomaide

۲. «همو» به معنی خون و «فیلی» به معنی تمایل به سمت چیزی داشتن است. فردی که به هموفیلی

(hemophilia) مبتلا است، تمایل به خونریزی زیاد دارد. Brunner. Text book Of

(Medical-Surgical Nursing, p 690-695)

۳. تالاسمی (thalassa emia) یک واژه یونانی است که از دو کلمه تالاسا به معنی دریا و امی به معنی

خون گرفته شده است و به آن آنمی مدیترانه‌ای یا آنمی کولی و در فارسی کم‌خونی می‌گویند. این

بیماری همولتیک مادرزادی است که طبق قوانین مندل به ارث می‌رسد. مهم‌ترین راه درمان تالاسمی،

تزریق مداوم خون است. (www.danesh.roshd.ir و www.salamatiran.com)

4. HIV

5. Hepatitis

6. class action

7. products liability civil

8. presumption de mauvais foi

9. presumption de connaissance des vices

10. Domat

11. Art -1382-Tout fait quelconque de l'homme quicause a autrui un dommage oblige celui par la faut duquel il est arrive a la reparer

۱۲. ماده یک قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص

ثالث مصوب ۱۳۴۷.۱۰.۲۳

13. Ref: www.legal.com.shakil v. lederle laboratories n.3.1989

۱۴. فصل چهارم مکرر، مصوب ۱۹ مه ۱۹۹۸

۱۵. ر.ک: کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱

۱۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک قاسم زاده، ۱۳۷۲ و قاسم زاده، ۱۳۷۸، صص ۴۶-۷۲ و جعفری لنگرودی،

۱۳۷۸، ص ۱۷۴، ش ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹.

۱۷. ر.ک فهیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۹

18. le malade court le risqué de voire le mescine ou le chirurgien se tromper.

19. Force Majeure

۲۰. سوره بقره، آیه ۸۶: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».

۲۱. چیزی که دوری جستن از او غیر قابل اجتناب است مسؤولیتی ندارد.

۲۲. اصل سی و هفتم قانون اساسی.

فهرست منابع

قرآن کریم

- امامی، حسن. (۱۳۵۷). حقوق مدنی جلد اول و دوم، تهران: انتشارات اسلامیة انصاری، علی و مبین، حجت. (۱۳۹۰). نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۱ آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۶۱ ه.ق.). تحریر المجله، جزء ثالث، نجف: چاپ حیدریه، جلد سوم. بزرگمهر، داوود. (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۵۴، صص ۳۷-۵۷.
- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۴). مسئولیت مدنی، جزوه درس مسئولیت مدنی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع).
- جعفری تبار، حسن. (۱۳۷۷). از آستین طیبیان قوی در مسئولیت مدنی پزشکان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، صص ۵۵-۸۶.
- جعفری تبار. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی کالاها، نشر دادگستر، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات تهران: گنج دانش.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۴۱۷ ه.ق.). العناوین، جلد دوم، قم: موسسه النشر الاسلامی. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، جلد دوم، چاپ ۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ژوردن، پاتریس. (۱۳۸۲). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، نشر میزان، تهران.
- صادقی، محسن. (۱۳۸۶). مسئولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه تطبیقی در حقوق سوییس و ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۴، صص ۱۹۴-۱۶۵.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، نشر مؤسسه عالی حسابداری، تهران.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۵). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران.
- عمید زنجانی، عباس علی. (۱۳۸۲). موجبات ضمان، نشر میزان، تهران.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی، نشر دادگستر، تهران.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۷۲). پایان نامه دکتری، نظریه تقصیر در مسئولیت مدنی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). درس‌هایی از عقود معین، جلد دوم، نشر گنج دانش، چاپ هفتم، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). یاس از اثبات و اصل برائت، فصلنامه حقوق، شماره ۶۶، صص ۲۶-۴۵.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد (قواعد عمومی)، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، ص ۲۱۴-۱۷۹.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). مسئولیت ناشی از عیب تولید، چ سوم، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
- کاظمی حاجی آبادی، محسن. (۱۳۹۱). رابطه سببیت در جبران خسارت با توجه به پرونده موسوم به هموفیلی‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر غفور خوئینی، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران).
- کاظمی، محمود. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی ناشی از انتقال خون آلوده، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۷، شماره ۲، صص ۲۰۷-۲۴۰.
- مریدنژاد، عباس. (۱۳۸۲). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بررسی حقوق مصرف‌کننده در لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و مقایسه آن با قانون حمایت از مصرف‌کننده ۱۹۸۷ انگلستان، به راهنمایی دکتر عبدالحسین شیروی، دانشگاه تهران، پردیس قم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۱). مجله متین، شماره ۱۴، صص ۳۴-۵.
- Carbonier, Jean, Droit Civil, T.4, Les obligations, 22, 2000.
- Glannon, Joseph W: the law of tort, third edition, aspen publisher, 2005.
- HUET, J, "Le paradoxe, des médicaments: responsabilité pharmaceutique et risque de développement," RTD civ, 1986.
- LAMBERT-FAIVRE, Y. Droit de dommage Corporel, 3e ed. Dalloz, 1996.
- JONES, M. A. Medical Negligence, Sweet & Maxwell, London, 2003.

قانون اساسی

قانون مدنی

قانون مدنی فرانسه

قانون مسئولیت مدنی

قانون تجارت

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب

۱۳۴۷.۱۰.۲۳

قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸
قانون مسؤلیت ناشی از عیب کالای سوئیس
قانون حمایت از مصرف کننده ۱۹۸۷ انگلیس
قانون مسؤلیت تولید بلژیک مصوب ۲۵ فوریه ۱۹۹۲

www.salamatiran.com
www.danesh.roshd.ir
www.Legal.com

یادداشت شناسه مؤلفان

غفور خویینی: عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی

محمد روشن: عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

محسن کاظمی حاجی آبادی: کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی و کارآموز وکالت
کانون وکلای دادگستری (نویسنده مسؤل)

نشانی الکترونیک: kazemim52@yahoo.com

شجاع روزبهانی: کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲